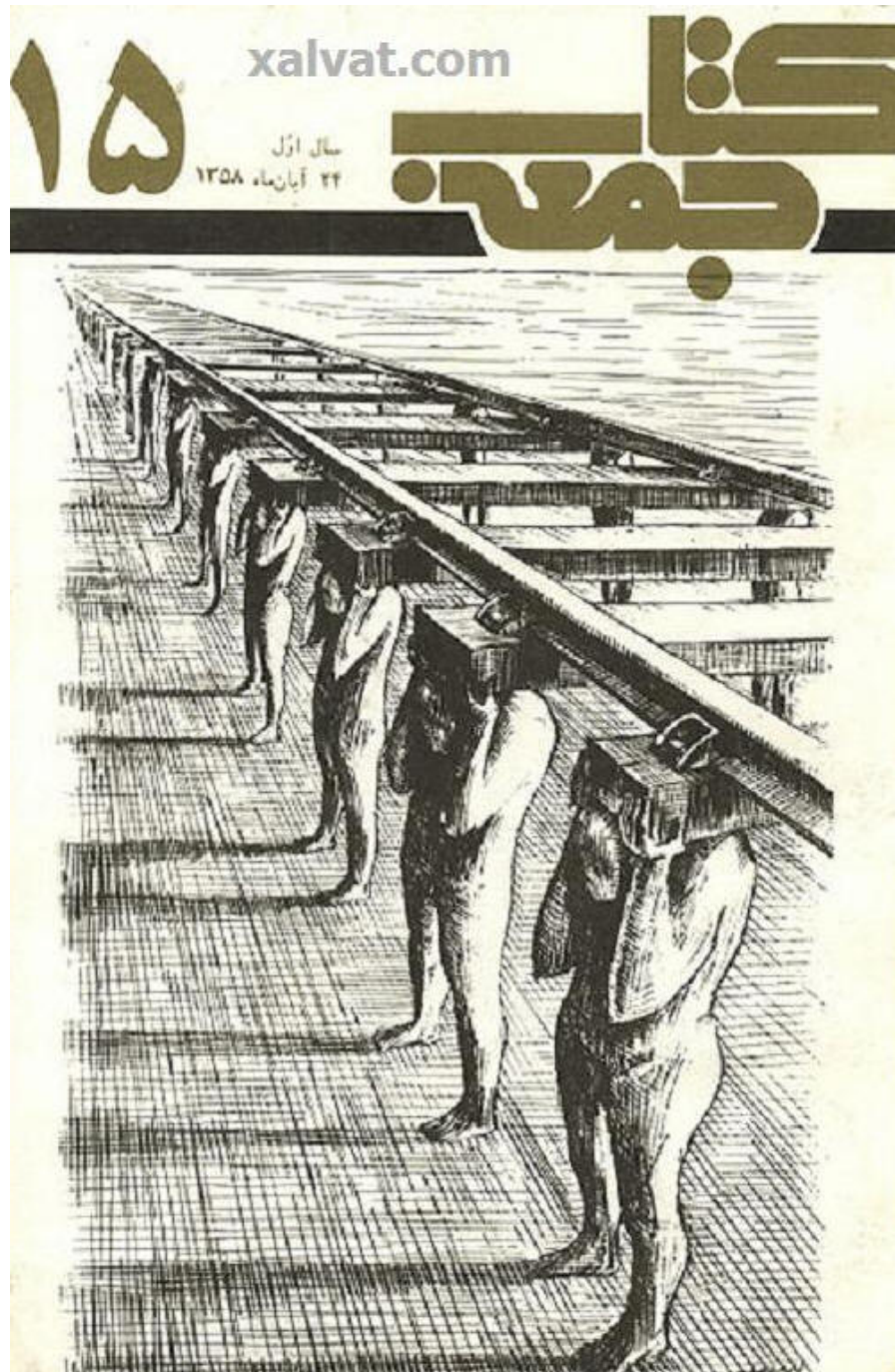




775

مختاری : شوراهاى شهر (استقبال يا عدم استقبال ؟)



طرح روی جلد: ازگاردون

تزیین و تنظیم صفحات: ابراهیم حقیقی

xalvat.com

به عنوان سپاس از يك دوست خوب و همكار گوشا و هنرمند تذكار اين نكته را لازم مي دانيم كه امور تنظيم و تزيين صفحات مجله را از ابتدا تا شماره ۱۲ عليرضا اسميهيد متعهد بوده است. عليرضا كه كارهاي خود را با نقش عيني امضا مي كرد و به خصوص طرح بسيار گويي و دلنشين روي جلد شماره دوازده (به مناسبت شب هاي كانون نويستندگان) نمونه روشني از كارهاي اوست كار بسيار سنگين تنظيم و تزيين كتاب جمعه را يك تنه برعهده داشت. سپاس يكايك همكاران ما نثار اوست.



هفته نامه سياست و هنر

سرپرير: احمد شاملو

با همكاري شوراي نويستندگان

مكاتبات با صندوق پستي ۱۵۰۱۱۳۲ (تهران)

مرکز بخش: تلفن ۸۳۸۸۳۲ (تهران)

مطالب وسيله پدهيج عنواني قابل استرداد نيست. شوراي ديبران در حك و اصلاح مطالب آزاد است.

بهاي اشتراك

براي ۵۰ شماره ۴۰۰۰ ريال

براي ۲۵ شماره ۲۲۵۰ ريال

براي ۲۵ شماره در اروپا ۲۲۵۰ ريال

براي ۲۵ شماره در آمريكا ۴۰۰۰ ريال

كه قبلاً دوپاقت مي شود

خواستاران اشتراك مي توانند مبلغ لازم را از نزديك ترين شعبه هر يك از بانكها به حساب شماره ۴۲۰ بانك سپه (شعبه اتو بانك يا نگاه) واريز كنند و رسيد آن را به ضميمه نشاني خود و با قيد اين كه مجله را از چه شماره اي مي خواهند به نشاني پستي «كتاب جمعه» بفرستند.

شماره هاي گذشته هفته نامه را مي توانيد از كتابفروشي هاي مقابل دانشگاه تهران تهيه كنيد.

بها ۱۰۰ ريال

کتابخانه جمعه ۱۵

سال اول
۲۴ آبان ماه ۱۳۵۸

xalvat.com

برگرفته از سایت: "بایگانی مطبوعات ایران" irPress.org

عکس و نگار

- طرحی از دیوش رادپور..... ۲
- کاریکاتوری از سعید درم‌پخش..... ۹۴
- ۱۰۹

مقالات و مقالات

- شهرهای شهر.....
- محمد مناری..... ۲
- نوشته‌های سیاسی کانکا.....
- بهرام مقدادی..... ۶۰
- دومین دولان (۲).....
- محمد قاسمی..... ۷۴
- اعلی‌ای رمان‌نویس در ایران (۴).....
- م. ع. سیانلو..... ۹۳

- مرغابه. تکنولوژی و توسعه
هتری سگدات

- ترجمه و نقل‌نقش ابراهیم انصاری..... ۹۰۹
- یادداشت‌های روزانه چه گوشتا

- ترجمه م. معلم..... ۱۱۰
- ایرلند شمالی.....
- مینل فارل

- ترجمه و ابلاغی..... ۱۲۱
- تاریخ و پراکنش اجتماعی.....
- زان شتر

- ترجمه خسرو شاکری..... ۱۲۵
- نقد و بررسی ترجمه یک کتاب.....
- ادیبی..... ۱۵۰

- نصرت کریمی و صورت‌هایش.....
- علاءالدین ساندی..... ۱۵۰

قصه

- مرگ بزدرگرد.....
- تعابنه‌های از بهرام پهلانی..... ۹۴



برگرفته از سایت: "بایگانی مطبوعات ایران" irpress.org

وزیر کشور به صراحت اعلام کرد که از انتخابات شوراهای شهر استقبال نشده است، و در توجیه و تعلیل آن گفت: «این ناشی از عدم آگاهی مردم به نقش شوراهای شهر است. و این ناآگاهی مربوط به فرهنگ مردم ماست که فکر می‌کنم با عملکرد یک دوره، نقش واقعی شوراها برای مردم حتی طبقات بی‌سواد هم روشن شود. ما فرصت کافی برای تبلیغ و آگاهی مردم نسبت به شوراهای دانشیم.» (اطلاعات، ۲۲ مهر)

در این گفته سه مسأله عمده مطرح است که در زمینه شوراها باید مورد بررسی قرار گیرد:

۱. عدم استقبال مردم از شوراهای
 ۲. ناآگاهی مردم از شوراهای که در اصل مربوط به فرهنگ آنها است.
 ۳. فقدان فرصت کافی برای تبلیغ و آگاه‌سازی مردم.
 حاکمیت موجود با طرح این سه مسأله بر آن است که شکست انتخابات شوراهای را به حساب مردم بگذارد و اذعان نموده‌ها را از اصل قضیه منحرف کند و خود آنان و فرهنگشان را مقصر و اتهم کند.
 توجیه حکومت و اصرارش بر این که فقط ناآگاهی مردم علت و عامل اصلی عدم استقبال از انتخابات شوراهای بوده است فقط کوششی است در راه پنهان داشتن نقش و اقدامات خود حکومت. وگرنه چگونه است که به هنگام و فراندوم و انتخابات مجلس خبرگان، مردم از شعور لازم و کافی برخوردار بودند، و این قذوف خارق‌العاده را داشتند که خبرگان جامعه را در رابطه با تدوین قانون اساسی تشخیص دهند اما در مورد «شوراهای» یکباره فاقد آگاهی شدند؟! xalvat.com

در موضوع «فقدان فرصت تبلیغاتی» نیز باید گفت: اگر غرض این است که مردم امکان و فرصت ترویج و تبلیغ نداشته‌اند، از دوستی مو به‌درد سخن نمی‌رود؛ زیرا حاکمیت موجود همه امکانات تبلیغاتی را از مردم سلب کرده است. و اگر غرض فرصت تبلیغاتی برای خود دستگاه است، که مردم می‌دانند طی مدت یک ماه پیش از انتخابات، کارگزاران و برنامه‌ریزان تبلیغاتی حکومت در ابعاد مختلف و در سطح وسیع جامعه بی‌وقفه از شوراهای به آن شکل که خود می‌خواسته‌اند، سخن گفته‌اند و تبلیغ کرده‌اند تا تلقی خود را از شوراهای، با حدت و شدت و با غنیمت شعردن هر لحظه و استفاده از هر وسیله به گوش مردم فرور کنند.

اما مطلب این است که چرا مردم این همه برحرفی را به گوش نگرفته بدان دل سپرده‌اند. - مردم آشکارا می‌بینند که این بار هم فقط حاکمیت موجود است که تبلیغ می‌کند، و خود به تنهایی و بدون مشارکت همه مردم از حق شورا و حاکمیت شورانی سخن می‌گوید و متقابلاً حق تحلیل و ترویج و نظر را از گروه‌های مختلف سلب می‌کند. آیا مردم این تناقض را چگونه می‌بینند و پاسخ آن را چگونه می‌دهند؟

حاکمیت موجود از هم‌اکنون باید مطمئن باشد که با همین شیوه و رفتار، مردم را نسبت به آزمایش‌های انتخاباتی آینده نیز بی‌اعتقاد کرده است. در

تجربه‌های گذشته وای مردم را چندان به‌بازی و سخره و شعیده گرفته‌اند که از هم‌اکنون نتیجه برخورد مردم با آزمایش‌هایی چون رفتار دوم قانون اساسی (اگر رفتاردومی در کار باشد) و انتخابات مجلس شورا و انتخاب رئیس جمهوری نیز قابل پیش‌بینی است، و مطمئناً چیزی جز ادامه و تشدید همین بی‌اعتنایی و بی‌اعتمادی و عدم استقبال نخواهد بود.

اگر به‌تظاهرات و کشمکش‌ها و درگیری‌هایی بپندیشیم که حکومت یناکزیر برخی از آن‌ها را در روزنامه‌ها طرح کرده است خواهیم فهمید که مردم در مورد انتخابات اخیر و رابطه شوراها و حاکمیت موجود چگونه اندیشیده و چگونه عمل کرده‌اند. خواهیم دید که چه برداشتی از انتخابات وجود داشته است که به‌نول مقامات وزارت کشور «فقط در يك سوم شهرها انتخابات شوراها برگزار شده است» (بامداد، ۲۹ مهر).

فرایند برخورد حاکمیت موجود با امر شوراها، از قیام بهمن تاکنون، افشاگر سیاست‌ها، ظاهرسازی‌ها، انحصارطلبی‌ها، و دوز و کلک‌های گروه‌هایی است که این نهاد مردمی را با منافع و مصالح خویش دو تضاد مستقیم می‌دیده‌اند.

xalvat.com

برای بافتن علت اصلی عدم استقبال مردم از انتخابات همین فرایند را بررسی می‌کنیم:

۱. پس از قیام بهمن، برخورد دولت با مسئله شوراها به‌طور عام و در سطح وسیعی آغاز شد. تضاد «مدیریت از بالا» و «از پایین» ترجیح‌بند دولت شد. در هر وزارتخانه و اداره‌ئی میان مدیران انتصابی دولت و شوراهائی که طی قیام عمل کرده، رهبری اعتصابات را به‌عهده داشتند تضاد و درگیری بالا گرفت. مدیریت انتصابی در داخل کارخانه‌ها، شرکت‌ها، و بخش‌های خصوصی و عمومی، به‌طور خستگی‌ناپذیری با این نهاد مردمی به‌مبارزه برخاست. نطق‌های مسؤولان و شکایات مداوم هیأت دولت، به‌ویژه نخست‌وزیر، در پاره شوراهاى ارتشی، کارگری، کارمندی، دانشگاهی، و... روزبه‌روز شدیدتر شد.

مردم در فرایند قیام به‌کارائی شوراها پی‌برده بودند و یکی از خواست‌های اساسی‌شان نیز حق مشارکت مستقیم در تعیین سرنوشت خویش و یایه‌گذاری شوراها در سراسر کشور بود. مردم به‌این آگاهی نزدیک می‌شدند که جلوگیری از به‌وجود آمدن دیکتاتوری و رشد انحصارطلبی تنها از طریق ایجاد شوراها

میسر است. مردم داشتند می‌فهمیدند که امکان نفوذ امیربالمسم در حکومت مرکزی برخوردار از تمرکز قدرت به مراتب بیش از امکان نفوذ آن در سیستم حکومت‌های ایالتی و نظام شورائی است. مردم در می‌یافتند که از طریق شوراها به آگاهی‌های لازم جهت شرکت و تصمیم‌گیری در امور جامعه دست می‌یابند.

xalvat.com

گفته‌اند یکی از علل این که شوراها شکل و نوع به مراتب عالی‌تر دموکراسی است این است که شوراها با متحد کردن و جلب توده کارگران و دهقانان به سیاست، هراسنج بسیار حساس را برای نمایش دوجه ارتفاع سطح بلوغ سیاسی و طبقاتی توده‌ها به دست می‌دهند که از هر چیز دیگر به ذهن خلق... نزدیک‌تر است.

حاکمیت موجود به منظور مقابله با همین خصصت‌ها و امکانات دموکراتیک شوراها، از یک سو کوشید که تشکیل آن‌ها را به تعویق اندازد و از سوی دیگر طرح‌ها و برنامه‌هایی ارائه داد که ماهیت شوراها را قلب می‌کرد. در این طرح‌ها نشان داد که هرگز دو خصصت و شرط عمده شوراها را نمی‌پذیرد؛ یکی اختیار اخذ تصمیم، و دیگری اختیار اجرا.

پیداست که بدون چنین اختیاراتی وجود شورا منتفی است. این دو شرط فقط با هم و به طور پیوسته و هماهنگ می‌توانند کارائی شوراها را تضمین کنند. اگر شورا فاقد اختیار تصمیم‌گیری باشد اختیارات اجرایی نیز عاقل می‌ماند و از میان می‌رود. زیرا برای او چیزی جز پیروی از تصمیم‌های گرفته شده به جای نمی‌ماند. و نیز اگر شورا اختیار اجرایی نداشته باشد تصمیم‌های گرفته شده بر روی کاغذ باقی خواهد ماند و به عمل درخواهد آمد. شورا با این دو شرط هم امکان شناخت نیازهای مردم را پیدا می‌کند، و هم امکان برآوردن آن نیازها را. و این درست به معنی شرکت فعال مردم در امور خودشان است. و پیداست که از این طریق منافع گروه‌هایی به خطر می‌افتد. کوشش این گروه‌ها در راه نفی شوراها به آنجا کشید که در یکی از برنامه‌های تلویزیونی که جلساتی از انتخاب نمایندگان شوراهای دانشگاهی و در زمینه استقلال دانشگاه‌ها گزارش می‌کرد، این مسأله به صراحت مطرح شد که «شورا در دوران قیام پدیده‌نی انقلابی و ترقی‌خواهانه بوده اما حال که دولتی ملی بر سر کار آمده است امری زائد و ارتجاعی است».

۲. بنابر آشنائی‌ها و تجربه‌هایی که در دوران قیام پدید آمده بود،

سازماندهی شوراهای در تمام مؤسسات و نیز در واحدهای روستائی و شهری در حال دنبال شدن بود که حاکمیت سیاسی و مذهبی با تأکید بر کمیته‌های مساجد راه رشد طبیعی آن را بست. طرح کمیته‌های محلی به این معنا که دستاوردهای انقلاب توسط خود مردم حفظ شود در مرحله‌ای از قیام ضرورت یافته بود، اما تبدیل آن‌ها به کمیته‌های مساجد جز تغییر ماهیت آن‌ها معنائی نداشت. به این وسیله صاحبان نفوذ - به ویژه گروهی خاص - در داخل آن‌ها منافع خود را دنبال کردند و کمیته‌های مساجد عملاً اجراکننده نظرات خاصی شد. از همین طریق هم بود که از يك سو مردم و کمیته‌ها، و از سویی دستگاه‌های اجرایی دیگر و کمیته‌ها، به تضادی آشکار رسیدند و علیه یکدیگر به تلاش برخاستند. شکایات و گله‌گذاری‌ها و تصایح به درگیری و زرد خورد و کشتار مبدل شد. اصل اراده و اختیار مردم و مشارکت فعال آنان (که خودموجب جذب‌شان به کمیته‌ها بود) در يك باقت انحصاری گرفتار آمد. افراد و گروه‌های صادقی که به کمیته‌ها پیوسته بودند به مرور از نقش اجرایی خود سر خوردند و دریافتند که تبدیل به آلت اجرایی تصمیمات و تقاضاهای خصوصی شده‌اند و عملاً مشارکت‌شان را به سود انحصارطلبی گروهی خاص یافتند. و در نتیجه یا از کمیته‌ها کناره گرفتند یا کنار گذاشته شدند. حاصل همه این‌ها مشکلات فراوانی بود که بر انبوه مشقات و ناپسانمائی‌های زندگی مردم و جامعه افزوده شد.

۳. همزمان با درگیری‌هایی که بر اثر اعمال نفوذ کمیته‌ها در سنج روی داد، و سفر آیت‌الله طالقانی به کردستان، مسأله شورا از آغاز سال جاری بعد تازه‌ئی یافت. بنابر توافق‌هایی که صورت گرفت شورای شهر سنج انتخاب شد، که از همان آغاز گروه‌های ذی‌نفوذ با آن به مبارزه برخاستند. مبارزه عوامل انحصارطلب و دخالت‌های قدرت‌طلبانه مسأله شوراهای را در دیگر نقاط به فراموشی سپرد. در واقعه خوستان، هنگامی که نمایندگان گروه‌های مختلف سیاسی، به عنوان رادخل، تشکیل شورائی نظیر شورای شهر سنج را پیشنهاد کردند استاندار در پاسخ گفت: «این که بگذاریم شورائی مثل شورای شهر سنج در اینجا یا بگیرد از محالات است».

از يك سو دولت به تشکیل شوراهای ن در تعی داد، و از سویی دیگر انحصارطلبان و صاحبان نفوذ محلی تشکیل شوراهای را در تضاد با مصالح و منافع خویش می‌دیدند و به این ترتیب به تعویق افتادن امر شوراهای خواست

همه گروه‌هایی بود که پس از قیام بر سر تحصیل قدرت به کشمکش پرداخته بودند.

salvat.com

۴. در اردیبهشت ۵۸، در پی مشکلاتی که بر اثر همین تضادهای پیش آمده بود تشکیل شوراهای توسط آیت‌الله طالقانی اعلام شد. روزنامه‌ها خبر از طرح شوراها می‌دادند که زیر نظارت آیت‌الله طالقانی پیاده می‌شود. رهبری «کمک به اجرای این طرح و وظیفه شرعی اعلام داشت» و شورای انقلاب، دولت، کمیته‌ها و دیگر مصادر امور موظف به اجرای طرح شدند. (کیهان، اول اردیبهشت)

اما همزمان با طرح شوراها، رؤسای کمیته‌های جهادگانه تهران نیز در قم اجتماع کردند. گفته شد که «با تشکیل شوراها مسئولین کمیته‌های انقلاب نیز انتخابی خواهند بود. با رأی ساکنین همان محل که در محدوده آن فعالیت می‌کنند انتخاب خواهند شد» (کیهان اول اردیبهشت). بدین ترتیب مرحله دیگری در رابطه مردم و دستگاه‌ها پدید آمده بود. کسانی که در حوزه عمل خود، فعال می‌باشند بودند بر اثر فشار افکار عمومی ناگزیر به تعدیل مواضع خود پرداختند. یا ناچار بودند که چنین وانمود کنند، رهبری ناگزیر شده بود که به‌مرور صورت درخواست مردم تأکید کند. و فشار موجود را به گروه‌های انحصارطلب منتقل کند. اما این فشار نمی‌توانست بدون عکس‌العمل بماند. پس گروه‌های انحصارطلب نیز فشار خود را متقابلاً تشدید کردند. همچنان که طرح انتخابی کمیته‌ها خود از یک سو تظاهر به رعایت حق رأی مردم بود، از سوی دیگر تأکیدی بود بر بقای کمیته‌های مساجد. و خود در نهایت نوعی مقابله جویی با مسأله شورا به حساب می‌آمد.

۵. شنبه هشتم اردیبهشت، «پیش‌نویس طرح تشکیل شوراهای شهر و استان که ایران را در آینده به صورت یک کشور فدراتیو در می‌آورد از سوی وزارت کشور اعلام شده. براساس این طرح دوره استانداری هر استاندار برابر بود با مدت ریاست جمهوری، و هر استان به وسیله یک «صدر» اداره می‌شد. که ریاست قوه مجریه را در استان برعهده داشت. و فرمان صدارت او از طرف رئیس جمهور صادر می‌شد.

معلوم بود که این نیز نقشه‌ای بود برای به‌تعویق انداختن امر شوراها. و مانعی بود در راه عملی شدن خواست مردم. زیرا مسأله را تعلیق به آینده و انتخاب رئیس جمهوری می‌کرد. و طرح سازمانی شوراها را به جای این که

بر پایه شوراهای کوچک یا هسته‌های اصلی بگذارد. در رابطه با دولت و هیأت «مشیران» و «صدر» و... عنوان می‌کرد.

عیب عمده این طرح فاصله زیاد آن با دموکراسی و پیشگیری آن از شرکت فعال همه مردم در شوراهای به هم پیوسته یا زنجیره‌نی بود. به این وسیله «صدر» و «مشیر» به‌طور خودبه‌خود مقابل مسئله شورا و دخالت مستقیم مردم در امور قرار می‌گرفتند.

۶. نهم اردیبهشت از سوی وزیر کشور اعلام شد که «طرح شوراها که در روزنامه‌ها انتشار یافته، متعلق به نخست‌وزیری، دولت، وزارت کشور نیست. صرفاً از دیدگاه‌های شخصی ناشی می‌شود.» (آیندگان ۹ اردیبهشت).

و حال آن که قبلاً اعلام شده بود که این طرح براساس تامله‌نی است که وزیر کشور به‌وزیر مشاور در طرح‌های انقلاب نوشته است. و این خود نشانه‌های دیگری بود از تضادی که در داخل گروه‌های حاکم بر سر مسئله شورا وجود داشت. و معلوم می‌داشت که دعوا به‌سود گروه‌های قوی‌تری که با شوراها مخالفند خاتمه یافته است.

۷. بیستم اردیبهشت اعلام شد که از سوی هیأت منتخب آیت‌اله طالقانی «طرح شورا به‌دولت داده شد.» و همزمان با آن از سوی وزیر مشاور در طرح‌های انقلاب نیز «رئوس خودمختاری اعلام شد.» (کیهان ۲۰ اردیبهشت)

در طرح وزیر مشاور از «خودمختاری اداری» سخن رفته بود. و از این که «اداره امور هر استان با نظارت مجلس شورای استان انجام می‌شود.» اما «استاندار از طرف حکومت مرکزی انتخاب می‌شود، که ضمناً مسئول مجلس شورای استان نیز خواهد بود.» و نیز «برهه و رؤسای ادارات استان که انتخابی‌اند ریاست فائده خواهد داشت.» (کیهان ۲۰ اردیبهشت)

با این ضوابط، این طرح خنثی‌کننده طرح قبلی بود. و بر تمرکز هر چه پیش‌تر قدرت دولتی تأکید داشت. نقش نمایندگان مردم را تا حد نظارت تنزل داده بود. و نقش دولت را تا حد ریاست فائده استاندار انتصابی بالا برده بود. حال آن که طرح قبلی با همه اشکالاتش، «صدر» و «مشیر» را نیز انتخابی می‌دانست.

اما در طرح منسوب به آیت‌اله طالقانی، خصلت زنجیره‌نی شوراها

از سطح ده تا استان منظور شده بود. به این ترتیب که نماینده اعضای هر شورا از یائین به بالا می‌آید؛ شورای ده، شورای هر بخش از نمایندگان شوراهای ده، شورای شهر، شورای شهرستان از نمایندگان شوراهای شهر و شوراهای بخش آن ناحیه. شورای استان از نمایندگان منتخب شهرستان. بخشدار و شهردار و فرماندار و استاندار منتخب شوراهای بودند. و شوراهای بر کار بگذراند نظارت می‌داشتند. و مجلس شورا وضع قواعد مربوط به سیاست عمومی دولت را درباره صلاحیت شوراهای و اصولی که برای حفظ حاکمیت ملی و نظم عمومی و مصالح ملی از طرف شوراهای محلی باید رعایت شود، برعهده داشت.

salvat.com

همزمانی انتشار این دو طرح، تضاد و اختلافی را که در داخل گروه‌های حاکم، یا منسوب به حاکمیت، بر سر مسأله شوراهای موجود بود آشکارتر می‌کرد. بر طبق معمول، این تضاد به سود گروه مخالف شوراهای عمل کرد و طرح آیت‌الله طالقانی و اساساً مسأله شوراهای را برای مدتی طولانی به‌پاگانی سپرد.

۸. مخالفت با تشکیل شوراهای همچنان ادامه یافت. تا این که باز آیت‌الله طالقانی در آخرین روزهای حیاتش عامل طرح دوباره شوراهای شد. و در آخرین خطابه‌اش آشکارا مردم را به امر شوراهای ترغیب کرد. از مردم خواست که صریحاً و مصرأً منافع و مصالح خودشان را پیگیری کنند. و گفت که مسئولان امور از تشکیل شوراهای جلوگیری می‌کنند. مرگ ناگهانی او درخواست و فشار مردم را در مورد شوراهای شدت بخشید. به طوری که با همه تلاش گروه‌های انحصارطلب در راه منحرف کردن افکار مردم، شورا بیهک خواست عمومی تبدیل شد. و حاکمیت موجود به موضع تدافعی افتاد و در برابر فشار افکار عمومی، به چاره‌جویی‌های گوناگونی دست زد.

از یک سو طرح ادغام کمیته‌ها و شوراهای را پیش کشیدند. و از سویی با تنظیم آئین‌نامه انتخاباتی راه نفوذ عوامل صاحب قدرت را باز گذاشتند. از یک سو با طرح ولایت فقیه، قدرت متمرکزی را به حاکمیت مردم تأویل و تفسیر کردند. و از سویی با تفکیک شهرهای بزرگ از شهرهای کوچک، انتخابات شوراهای را به آزمایش وضعیت جامعه، و میزان تعایل مردم به حاکمیت تبدیل کردند. و بدین ترتیب فقط توانستند در یک سوم شهرها انتخاباتی برگزار کنند که آن هم عملاً به عامل افشای انحصارطلبی‌ها تبدیل شد.

برگزاری عجولانه و آزمایشی انتخابات شوراهای که از روی ناچاری صورت گرفت، نشانه این بود که حاکمیت موجود در همه مسائل مربوط به مردم و نهادهای مردمی، فقط همان شیوه‌نی را دنبال می‌کند که پس از قیام در پیش گرفته بود.

فشار افکار عمومی حکومت را از موضع مخالفت به موضع موافقت ظاهری کشانده بود. ظاهرسازی یا تبلیغ سراسری رادیو - تلویزیونی هماهنگ بود. این بار به منظور دستیابی به شوراهای، و خالی کردن شوراهای از محتوای مردمی‌شان نقشه‌ها کشیدند. اما همه این نقشه‌ها و شتابزدگی‌ها تضادهای آشکارتر کرد. در این شتابزدگی چندان اعمال نتیجه‌ی و متضاد روی داد که گروه‌های حاکم را نیز در برابر هم به موضع‌گیری آشکار واداشت.

مردم نشان دادند که در هر شهر، به نسبت آگاهی‌شان چگونه به شورا می‌اندیشند. و از شورا و انتخابات چه می‌خواهند. مردم می‌دانستند که حکومت در پی سپردن امر مردم به خود مردم نیست. می‌دانستند که این انتخابات هم ظاهرسازی‌نی بیش نیست. و علی‌رغم سیاست‌های حکومت، نشان دادند که چیزی را که طالبند چگونه به دست می‌آورند.

تضاد و برخورد به تظاهرات و کشتار انجامید. و دولت ناگزیر شد که در برخی شهرها انتخابات را متوقف، و در برخی شهرها شوراهای را نیز منحل کند. همچنان که در برخی شهرها هم خود شوراهای ناگزیر به انحلال خود رأی دادند.

حکومت در پایان کوشید که عدم استقبال مردم را به حساب خود مردم بگذارد. و از خود رفع مسئولیت کند. به راستی هم عدم استقبال مردم را باید به حساب مردم گذاشت. اما نه از دیدگاه وزیر کشور، بلکه از دیدگاه آگاهی‌های رو به رشد نوده‌ها که آنان را در برابر اقدامات و تعهیدات حکومت چنین به‌مواجهه کشانده است.

اما این پایان کار نیست. ادعای ۹۹ درصدی حکومت در فراندوم به ۴۵ درصد در انتخابات مجلس خیرگان رسید. و امروز استانداری خراسان از ۸ درصد شرکت‌کننده دو انتخابات شوراهای سخن می‌گوید. در حالی که حکومت هنوز آزمایش‌های دیگری مثل فراندوم قانون اساسی، انتخابات مجلس شورا و انتخاب رئیس جمهور را نیز در پیش دارد.

